

جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی

.mhkarami@rihu.ac.ir

.saeed.goodarzy@yahoo.com

محمدحسین کرمی / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سعید گودرزی / کارشناس ارشد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۵

چکیده

«آثار خارجی» در اقتصاد متعارف در چارچوب سازوکار بازار و بهینگی پارتو قابل تعریف است. در آثار اقتصاد اسلامی این موضوع کمتر مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روشی «تحلیلی»، به تبیین پیوند مفهومی آثار خارجی و سازوکار بازار در اقتصاد متعارف و نقد آن از دیدگاه اقتصاددانان مسلمان می‌پردازد. در ادامه جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی تبیین می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، آثار خارجی را به دو صورت اقتباس چارچوب مفهومی از اقتصاد متعارف و طرح اصطلاحی نو متناسب با ساختار ویژه تخصیص بهینه اسلامی می‌توان وارد اقتصاد اسلامی کرد. در حالی که روش اول با مشکلات و محدودیت‌هایی روبروست؛ روش دوم می‌تواند زمینه نظریه‌پرازی اصیل در اقتصاد اسلامی را فراهم کند. آثار خارجی در مفهوم جدید پیشنهادی به معنای آثار خارج از مکانیزم بازار نیست؛ بلکه ناظر به مکانیزمی است که تخصیص بهینه مورد نظر اسلام را با اخلال مواجه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آثار خارجی، اقتصاد متعارف، اقتصاد اسلامی، سازوکار بازار، بهینه پارتو، تخصیص منابع، کارایی اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: D62, H23, P4.

یک روش درست و منطقی در پی‌ریزی اقتصادی مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی، این است که دیدگاه‌های اقتصاد متعارف دربارهٔ موضوعات گوناگون اقتصادی را نقد و بررسی کنیم تا از این رهگذر، ضمن مشخص شدن ناکارآمدی این نظریات، در مسیر ارائه نظریات اقتصاد اسلامی گام برداریم. با اینکه بسیاری از اندیشمندان اقتصاد اسلامی این روند را در بسیاری از موضوعات پیش گرفته‌اند، در مبحث آثار خارجی، نه تنها این روش مشاهده نمی‌شود، بلکه این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه تحلیل آثار خارجی در رویکرد اسلامی آثار چندانی به چشم نمی‌خورد. در میان اقتصاددانان مسلمان، چهار تحقیق عمده در بررسی آثار خارجی با نگاه اسلامی صورت گرفته است. انصاری و همکاران (۱۳۷۸) در کتاب *درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*؛ دادگر (۱۳۸۰) در کتاب *اقتصاد بخش عمومی*؛ مصباحی مقدم، رضایی و موحدی‌بکنظر (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل نحوه مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی»؛ و رضایی دوانی (۱۳۸۹) در کتاب *مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام*، ضمن بررسی آثار خارجی، راه‌کارهایی برای مواجهه با این پدیده از زاویه نگاه اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند.

یکی از کمبودهایی که در پژوهش‌های مزبور به چشم می‌خورد این است که هیچ‌یک از آنها ابتدا به تبیین جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف پرداخته‌اند تا از این رهگذر، بتوانند جایگاه آن در اقتصاد اسلامی را نیز پیدا کنند.

مزیت اصلی این مقاله نسبت به آثار ذکر شده این است که ابتدا به جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف می‌پردازد و سپس به تحلیل جایگاه آن در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. یکی از سؤال‌های این پژوهش این است که آثار خارجی از چه جایگاهی در اقتصاد متعارف برخوردار است. پاسخی که در این باره ارائه می‌شود این است که این آثار در چنین اقتصادی با مفهوم بهینه پارتو و سازوکار بازار پیوندی ناگسستگی دارد و بدون توجه به این پیوندها، از مفهوم روشنی برخوردار نیست.

سؤال دیگر درباره جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی است. پاسخ به این سؤال نیز بدون توجه به پیوندها و زمینه‌های یاد شده و بررسی آنها در اقتصاد اسلامی امکان‌پذیر نیست. از این رو، هر جا بهینه پارتو و سازوکار بازار در اقتصاد اسلامی اعتبار ندارند، آثار خارجی نیز جایگاهی در اقتصاد اسلامی پیدا نمی‌کند و بحث از آن مانند سخن گفتن در خلأ است.

این مقاله، در صدد بیان راه‌کارهای اقتصاد اسلامی در مواجهه با آثار خارجی نیست، بلکه در پی آن است که پس از شناخت جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف، دیدگاه‌های اقتصاددانان مسلمان نسبت به آثار خارجی را نقد و بررسی کند. در ادامه مقاله به بررسی جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. سؤال از جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی ناظر به این امر است که مفهوم آثار خارجی در اقتصاد اسلامی چگونه قابل طرح است.

۱. جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف

بروز آثار خارجی در فعالیتهای اقتصادی، به عنوان یک پدیده نامطلوب در اقتصاد متعارف شناخته می شود. نامطلوب بودن آثار خارجی را می توان با عملکرد سازوکار بازار مرتبط دانست؛ زیرا اقتصاد متعارف آثار خارجی را یکی از نمادهای شکست بازار معرفی می کند. برای فهم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف توجه به این نکته مهم است که چرا سازوکار بازار، مطلوب یک جامعه سرمایه داری است. با این رهیافت، به این مطلب نیز پی خواهیم برد که چرا آثار خارجی به عنوان یکی از نمادهای شکست بازار شناخته می شود و پدیده های نامطلوب است.

سازوکار بازار و منافع اقتصادی - اجتماعی

منابع اقتصادی هر جامعه محدود است. از هر چیزی آنقدر وجود ندارد که همه خواسته ها را تأمین کند. از این رو، قوام هر جامعه مستلزم ایجاد نوعی هماهنگی میان منابع محدود و خواسته های نامحدود است. این هماهنگی - دست کم - دو کارکرد جلوگیری از نزاعها و آسیب هایی که مردم در غیر این صورت به هم وارد می کنند؛ و همیاری اجتماعی برای سازمان دهی مردم در کمک کردن و کمک گرفتن از یکدیگر دارد (لیندبلوم، ۱۳۸۸، ص ۲۴). در اقتصاد، هنگامی که از «همیاری اجتماعی» سخن گفته می شود، به طور عمده، منافع اقتصادی - اجتماعی منظور است. این همیاری باید به گونه ای باشد که بیشترین منافع عاید جامعه شود.

تاکنون رویکردهای مختلفی به منظور هماهنگ سازی فعالیتهای اقتصادی برای دستیابی به بیشترین منافع اقتصادی - اجتماعی ارائه شده است. در این زمینه، - دست کم - می توان به سه رویکرد «سنت»، «فرمان» و «بازار» اشاره کرد (رنانی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). دیدگاه غالب در قرن هجدهم میلادی، به تبع مکتب «سوداگرایی»، پی روی از رویکرد «فرمان محور» و هماهنگ سازی از طریق هماهنگ ساز مرکزی بود. در چنین فضایی، *آدام اسمیت* کوشید نشان دهد که بازار می تواند فعالیتهای اقتصادی را به خوبی هماهنگ کند؛ به گونه ای که منابع جامعه بدون ایجاد هرج و مرج، در مسیری به حرکت درآیند و به محصولاتی تخصیص یابند که بیشترین فایده را عاید جامعه کنند (نیکلسون، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۵۸).

فرآیند محبوب / اسمیت، که در ادبیات اقتصادی به «دست نامرئی» (Invisible hand) مشهور شده است، از یک نظم طبیعی حکایت دارد که انگیزه های خودخواهانه فردی را در بستر بازار رقابتی، به طور خودکار در جهت تأمین منافع جمعی قرار می دهد. در این فرآیند، هر فرد بدون آنکه بخواهد یا حتی بداند، تنها با دنبال کردن منافع خود، در حال تأمین منافع اجتماعی نیز می باشد. «او تنها به فکر دستاورد خویش است و در این روند، همانند دیگر مواقع، توسط یک دست نامرئی هدایت می شود تا منفعتی ایجاد کند که هرگز قصد آن را نداشته است. افراد با دنبال کردن منافع خود، برای جامعه ثمربخش تر از زمانی هستند که واقعاً به دنبال منفعت رسانیدن به جامعه می باشند» (اسمیت، ۱۹۳۷، ص ۴۲۳).

اسمیت در فصل هفتم از کتاب اول خویش، توضیح می‌دهد که چگونه انگیزه پی‌جویی نفع شخصی موجب می‌شود که مبادله پدید آید و عرضه و تقاضای کالا در بازار تنظیم گردد (همان، ص ۵۵-۵۹). فرآیند تقسیم کار و تخصصی‌شدن مشاغل، تولید و عرضه بیشتر را به دنبال دارد و موجب درآمد بیشتر و انباشت سرمایه می‌شود. از سوی دیگر، گسترش تولید، رقابت برای تقاضای نیروی کار و دستمزدها را افزایش می‌دهد. در نتیجه، انگیزه منافع شخصی به تحقق منافع اقتصادی- اجتماعی منجر خواهد شد (کرمی، ۱۳۸۹، ص ۲۷). بدین سان، نقش سازوکار بازار این‌گونه پدیدار می‌شود که با دستی نامرئی انگیزه‌های فردی را به منافع اقتصادی- اجتماعی مربوط می‌سازد.

سازوکار بازار و کارایی در تخصیص منابع

اقتصاددانان اکنون منافع عمومی و اجتماعی را به «بیشینه‌کردن رضایت همه مصرف‌کنندگان» تفسیر می‌کنند و آن را «کارایی» می‌نامند. ساموئلسون و نوردهاوس در این باره می‌گویند:

اقتصاددانان طی دو قرن اخیر، مفهوم «منافع عمومی» را پیراسته و امروزه به منطوق و محدودیت‌های آن کاملاً واقفاند.

«کارایی»، آن‌گونه که اقتصاددانان تعریف می‌کنند، روند کسب حداکثر رضایت مصرف‌کنندگان از منابع موجود است

(ساموئلسون و نوردهاوس، ۱۳۸۴، ص ۵۷۹).

این معنا از کارایی را می‌توان در بهینه پارتو یافت. «موقعیتی کارا» و یا «بهینه پارتو» آن است که در آن ممکن نباشد وضعیت یک فرد بهتر شود؛ مگر اینکه وضعیت عده‌ای دیگر بدتر شود (لیارد و والترز، ۱۹۷۸، ص ۷). این بیان تعبیر دیگری از بیشینه‌کردن مطلوبیت کل افراد جامعه است که از طریق سازوکار بازار و دست نامرئی حاصل می‌شود.

اندیشه اسمیت، در خصوص هماهنگی میان نفع شخصی با خیر جمعی، یا همان «دست نامرئی»، همواره مورد توجه اقتصاددانان پس از او قرار داشته است. اقتصاددانان نئوکلاسیک به پی‌روی از اسمیت، انگیزه نفع شخصی را در بستری از بازار رقابت کامل، محرک فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند. از نظر آنها، چنین روندی به تأمین منافع جمعی یا همان بهینه پارتو می‌انجامد. پیوند میان تعادل‌های رقابتی و کارایی اقتصادی- اجتماعی (بهینه پارتو) در ادبیات اقتصادی به‌عنوان «قضیه اول اقتصاد رفاه» مطرح می‌شود (کالیز و جونز، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

بنابراین، سیستم هماهنگ‌ساز جامعه - در اینجا سازوکار بازار - چگونگی تخصیص منابع و نهاده‌های تولید را تعیین می‌کند و کارایی اقتصادی در جامعه را، که به معنای بیشینه‌کردن منافع عمومی و اجتماعی حاصل از چنین تخصیصی است، محقق می‌سازد. بر این اساس، سازوکار بازار از آن رو در اقتصاد متعارف اهمیت دارد که منابع جامعه را به بهترین و کاراترین شکل ممکن تخصیص می‌دهد و در نتیجه، بیشترین منافع اقتصادی- اجتماعی حاصل می‌شود. معلوم است که اگر عاملی در سازوکار بازار اخلال ایجاد کند، به این دلیل که مانع تحقق این کارایی

می‌شود، نامطلوب قلمداد می‌گردد. در نتیجه، یکی از رسالت‌های اقتصاد متعارف، شناسایی عوامل مخمل مزبور و چاره‌جویی برای رفع آنها است.

شکل‌گیری آثار خارجی در سازوکار بازار

اسمیت هیچ‌گاه ادعا نکرده است که یک جامعه می‌تواند در همه زمینه‌ها بر مبنای دست نامرئی عمل کند و به کارایی اجتماعی دست یابد. اعتقاد وی به «دولت حداقلی» نشان دهنده این واقعیت است که هماهنگی برخی امور از عهده بازار خارج است. اسمیت سه وظیفه برای دولت برشمرده است: حفاظت از جامعه در برابر خشونت و یورش جوامع دیگر؛ حمایت از هر یک از اعضای جامعه در برابر بی‌عدالتی یا ظلم اعضای دیگر؛ و ایجاد و حفظ مشاغل و نهادهای عمومی، مانند ارتش، پلیس، مشاغل عمومی، مدارس عمومی و آموزش دینی، که هزینه آنها برای یک فرد یا یک گروه کوچک زیاد و سود حاصل از آن کم است (راسل وینستین، ۱۳۹۱، ص ۱۵۶-۱۵۷). بدین سان، می‌توان نشانه‌هایی از ناتوانی بازار در هماهنگ‌سازی امور اقتصادی برای دستیابی به کارایی اجتماعی را در دیدگاه/اسمیت ملاحظه کرد. با وجود این، وی هیچ اشاره‌ای به آثار خارجی به‌عنوان یکی از نواقص سازوکار بازار نکرده است.

تئوکلاسیک‌ها با وجود همسویی مبنایی با دیدگاه‌های/اسمیت، مشاهده کردند که در حالت وجود آثار خارجی دست نامرئی نمی‌تواند انگیزه‌های سودجویانه فردی را به کارایی اقتصادی-اجتماعی مرتبط سازد (ساموئلسون و نوردهاوس، ۱۳۸۸، ص ۵۹). به دیگر سخن، آنان سازوکار بازار را از برابر کردن هزینه‌ها و منافع خصوصی و اجتماعی، هنگام بروز آثار خارجی ناتوان دیدند (موریس و فیلیپس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۸) و آثار خارجی را به‌عنوان یکی از عوامل شکست بازار در تخصیص بهینه منابع معرفی کردند.

در اقتصاد متعارف، شکل‌گیری آثار خارجی ناشی از فقدان بازار برای برخی از آثار سودمند یا زیان‌بخشی است که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی به وجود می‌آیند (امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۵)؛ مثلاً هیچ بازاری برای مبادله هزینه‌های ناشی از آلودگی کارخانه سیمان، یا منافع حاصل از گرده‌افشانی زنبورهای عسل وجود ندارد و همین فقدان بازار و نبود امکان مبادله موجب شکل‌گیری آثار خارجی در چنین فعالیت‌هایی می‌گردد. از آن‌رو که چنین آثاری «خارج از بازار» است و مبادلات بازاری روی آنها انجام نمی‌شود، به آنها آثار خارجی گفته می‌شود. بدین روی، آثار خارجی در بستر سازوکار بازار شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که تصور درستی از آن به تنهایی و جدای از سازوکار بازار در کار نیست.

ماهیت آثار خارجی

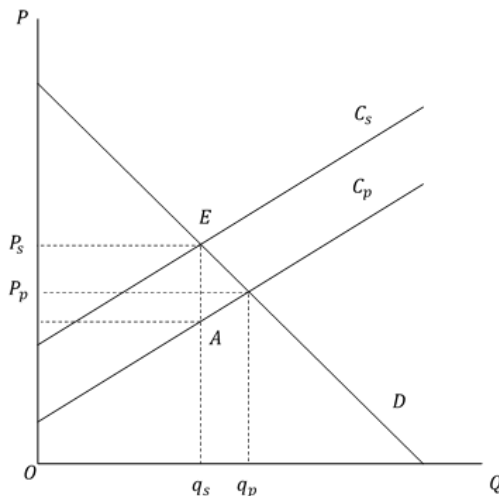
بر اساس پیوندی که میان آثار خارجی و سازوکار بازار وجود دارد، می‌توان گفت: عواملی مانند آلودگی ایجاد شده در

فرآیند تولید یک کارخانه، می‌تواند زمینه‌ساز بروز آثار خارجی شود، نه اینکه آثار خارجی معادل همین آلودگی باشد. برای تحقق آثار خارجی، علاوه بر وجود آلودگی، باید افرادی در اطراف این کارخانه باشند، به گونه‌ای که تحت تأثیر این فعالیت آلاینده‌ای که در بازار تولید می‌شود، قرار گیرند و بابت این آلوده‌سازی هزینه‌ای پرداخت نشود. به عبارت دیگر، آثار خارجی (فنی)، مجموعه منافع یا هزینه‌هایی است که از یک فعالیت، تولید می‌شود، ولی به تولیدکننده آن منعکس نمی‌شود (دمسترز، ۱۳۸۰، ص ۶۰). بنابراین، اگر هیچ‌کس از آلودگی ایجاد شده توسط کارخانه متأثر نشود (مثلاً کارخانه دور از محیط زندگی مردم باشد)، یا اگر صاحب کارخانه به نحو مطلوبی هزینه این آلودگی را برای افراد تحت تأثیر آن جبران کند، آلودگی ایجاد شده، موجب بروز آثار خارجی نخواهد شد.

البته همه هزینه‌ها یا منافع که از یک عامل به عوامل دیگر تحمیل می‌شود، آثار خارجی نیست. بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی همواره با مقادیری از آلودگی و دیگر زمینه‌های بروز آثار خارجی همراه هستند. آنچه موجب تحقق آثار خارجی می‌شود، بروز ناکارایی در تخصیص منابع است. به عبارت دیگر، اگر به‌خاطر چنین هزینه‌ها یا منافع برخی کالاها کمتر یا بیشتر از حد کارا تولید شوند، با پدیده آثار خارجی مواجه خواهیم شد (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۲۷۹).

نمودار ذیل، آثار خارجی ناشی از آلودگی یک کارخانه را نشان می‌دهد. در این نمودار، هزینه‌های اجتماعی تولید (C_s) بیش از هزینه‌های خصوصی آن (C_p) است؛ زیرا صاحب کارخانه هزینه‌هایی را که از آلودگی کارخانه به دیگران تحمیل می‌شود، در تصمیم‌گیری خود محاسبه نمی‌کند. در نتیجه، به‌خاطر وجود تباین میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی، میزان تولید بازار (q_p) از تولید بهینه اجتماعی (q_s) بیشتر می‌شود و تخصیص منابع، کارایی اجتماعی را تحقق نمی‌بخشد.

نمودار ۱: آثار خارجی منفی ناشی از آلودگی کارخانه



آثار خارجی منفی ناشی از آلودگی بر مطلوبیت دیگران

منظور از هزینه‌های خصوصی در اینجا، مجموع هزینه‌هایی است که صاحب کارخانه در مبادلات بازاری متحمل می‌شود. هزینه استخدام نیروی کار، هزینه استفاده از سرمایه و هزینه تهیه مواد اولیه از جمله این هزینه‌هاست. هزینه‌های اجتماعی علاوه بر هزینه‌های خصوصی، شامل آن دسته از هزینه‌ها است که صاحب کارخانه خارج از فرآیند بازار، به دیگران وارد می‌کند (موریس و فیلیپس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۵۷). تفاوت میان هزینه اجتماعی و خصوصی، آثار خارجی است.

با استفاده از مطالبی که تا اینجا بیان شد، می‌توان آثار خارجی را چنین تعریف کرد:

آثار خارجی عبارت است: از مجموعه منافع یا زیان‌هایی که از تولید یا مصرف یک عامل اقتصادی بر تولید یا مطلوبیت عامل اقتصادی دیگر وارد می‌شود و بدون انعکاس در مبادلات بازاری، مانع از تحقق کارایی اقتصادی می‌شود.

رویکرد اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی

اقتصاد متعارف سازوکار بازار را به‌منظور تخصیص بهینه منابع جامعه پذیرفته و معتقد است که دست نامرئی تنها گزینه برای بیشینه‌شدن منافع عمومی و اجتماعی است. وجود آثار خارجی می‌تواند دست نامرئی را در تحقق این هدف ناکام بگذارد و موجب شکست بازار در تخصیص منابع شود. از این رو، اقتصاد متعارف ناگزیر است در مواجهه با آثار خارجی، به‌گونه‌ای عمل کند که ناکارآمدی بازار در تحقق بیشینه منافع اقتصادی - اجتماعی برطرف شود. بدین روی، می‌توان رویکرد اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی را «بازگشت به کارایی» دانست (امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۶).

با توجه به اینکه آثار خارجی به‌عنوان تباین میان هزینه‌ها (یا منافع) خصوصی و اجتماعی شناخته می‌شود، رویکرد اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی، رفع تباین مذکور است. در اقتصاد متعارف، سعی می‌شود با برابری هزینه‌ها (یا منافع) خصوصی و اجتماعی، سازوکار بازار در تخصیص بهینه منابع کارا شود و دست نامرئی به خوبی انگیزه‌های شخصی را به منافع اجتماعی مرتبط سازد.

این رویکرد نخستین بار از جانب آرتور پیگو در سال ۱۹۲۰ مطرح شد. وی در کتاب *اقتصاد رفاه* (*The Economics of Welfare*)، مفهوم تأثیر عوامل خارجی بر اقتصاد را، که توسط مارشال مطرح شده بود، بسط داد. پیگو معتقد بود: که برای جبران نارسایی عملکرد بازار و پر کردن شکاف میان هزینه‌ها (یا منافع) خصوصی و اجتماعی، دخالت دولت به شکل دریافت مالیات یا پرداخت یارانه الزامی است (بلاگ، ۱۳۷۵، ص ۳۳-۳۴). کارکرد مالیات و یارانه در مواجهه با آثار خارجی، این است که تباین میان منافع و هزینه‌های خصوصی و اجتماعی را از بین می‌برد. در حقیقت، این گونه راه‌کارها می‌تواند به‌عنوان مکملی برای دست نامرئی، سازوکار بازار را در تخصیص منابع و دستیابی به بهینه پارتو موفق سازد.

در نمودار رسم شده، آثار خارجی منفی ناشی از آلودگی بر دیگران نشان داده شد. به طور معمول، در مواجهه با آثار خارجی منفی، از راه کار «مالیات» استفاده می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۹۴). این مالیات که به «مالیات پیگویی» شهرت دارد، به اندازه تفاوت هزینه یا منفعت اجتماعی و خصوصی در سطح بهینه اجتماعی است (نیکلسون، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۲۵) که در نمودار مذکور با «EA» مشخص شده است.

در کنار مالیات و یارانه، راه کارهای دیگری مانند وضع قوانین و مجوزهای آلودگی نیز از سوی اقتصاددانان متعارف برای مواجهه با آثار خارجی ارائه شده است (منکیو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۴-۲۵۰). این راهکارها همگی مبتنی بر مداخله دولت می‌باشند. علت اینکه اقتصاد متعارف در مواجهه با آثار خارجی به راه کارهای دولتی روی آورده، این است که طبق این دیدگاه، به علل گوناگون، از جمله مسئله «سواری مجانی» (Free Ride) و وجود هزینه مبادله، امکان حل مسئله آثار خارجی با راه حل‌های خصوصی وجود ندارد (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۲۸۸). به همین منظور، دولت باید با هدف نزدیک کردن هزینه‌ها یا منافع خصوصی و اجتماعی وارد شود (موریس و فیلیپس، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶۳).

۲. دیدگاه اقتصاددانان مسلمان درباره مسئله آثار خارجی

بحث آثار خارجی در مجموعه اقتصاد اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته و در آثار انگشت شماری به آن پرداخته شده است. اقتصاددانان مسلمان در ضمن این بیان محدود، با در نظر گرفتن مبانی اسلامی، راه کارهایی در مواجهه با آثار خارجی ارائه داده‌اند. در ادامه، به طرح این آثار و راه کارهای ارائه شده در آنها و سپس به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

راه کارها و اظهار نظرهای اقتصاددانان مسلمان در مواجهه با آثار خارجی

راه کارهای مطرح شده از جانب اقتصاددانان مسلمان در مواجهه با آثار خارجی را می‌توان در چهار عنوان جای داد:

(۱) مالیات ستانی

به نظر انصاری و همکاران (۱۳۷۸)، آن بخش از آثار خارجی که مستلزم بهره‌گیری از امکانات طبیعت است و با محدوده فعالیت دیگران به طور مستقیم ارتباطی ندارد، از راه‌هایی مانند زکات جبران می‌شود. برای مثال، دارندگان حیوانات اهلی برای استفاده از آبها و مراتع طبیعی، که جزو اموال عمومی است، باید مبلغی تحت عنوان «زکات» بپردازند. اگرچه پرداخت زکات یک امر عبادی است و با نیت تقرب به خدای متعال انجام می‌شود، با اینکه چنین عملی خسارت وارد آمده به طبیعت را نیز جبران کند، منافاتی ندارد (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸-۱۴۹).

۲) جلوگیری قانونی از ضرر رساندن به دیگران

مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۸۹) با تمسک به ادله «عدم جواز فساد در زمین»، «عدم اضرار به غیر» و «عدم اختلال در نظام آفرینش» نتیجه گرفته‌اند که می‌توان با عوامل تخریب محیط زیست (به عنوان یک اثر خارجی منفی) برخورد کرد و از چنین اعمالی جلوگیری نمود و در نهایت، متخلفان را به شدت مجازات کرد (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۶). آنان ممانعت از فعالیت‌هایی را که میزان ضرر آنها مشخص نیست، یا افراد متضرر از آنها قابل شناسایی نیستند، ضروری می‌دانند (همان، ص ۸۸). ایشان بر حمایت دولت از امر به معروف و نهی از منکر و نیز حافظان محیط زیست تأکید می‌کنند (همان، ۸۸-۸۹).

انصاری و همکاران (۱۳۷۸)، در موارد دارای آثار خارجی منفی، طبق قاعده «لاضرر»، اصل را بر جبران ضرر می‌دانند (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱). دادگر (۱۳۸۰) نیز در خصوص آثار خارجی منفی، به قاعده «لا ضرر» اشاره می‌کند (دادگر، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲-۱۹۳).

۳) شفاف‌سازی حقوق مالکیت

رضایی دوانی (۱۳۸۹) معتقد است که دولت اسلامی با برخورداری از مالکیت منابع طبیعی، می‌تواند مانع از تصرفات نابجا و تولید کالاهایی شود که آلودگی به همراه دارند. این وظیفه هنگامی پررنگ‌تر می‌شود که به حق نسل‌های آینده در بهره‌برداری از طبیعت توجه داشته باشیم. حوزه تأثیرگذاری دولت به مالکیت‌های دولتی محدود نمی‌شود، بلکه نظارت بر استفاده از برخی منابع طبیعی تحت عنوان «مباحات عامه» و نیز تشخیص مصلحت جامعه در میزان و چگونگی بهره‌برداری از سایر منابع بر اساس قاعده «لا ضرر»، قاعده «عدالت»، اصل «انصاف»، نفع اجتماعی، نظم عمومی و مانند آن، از دیگر اختیارات دولت اسلامی در این زمینه است (رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۵-۶۶).

۴) ترغیب انگیزه‌های درونی توسط تعالیم اسلامی

مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۸۹) معتقدند: برخی عوامل موجود در تعالیم اسلام می‌تواند به‌عنوان سازوکاری درونی و اولیه، مانع از به‌وجود آمدن بسیاری از آثار خارجی نامطلوب شود. برای مثال، بسیاری از آثار خارجی منفی به واسطه مصرف بیش از حد نیاز است. توصیه اسلام به میانروی در مصرف، عامل مؤثری در کاهش آثار خارجی ناشی از اسراف به‌شمار می‌رود (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

انصاری و همکاران (۱۳۷۸) در خصوص آثار خارجی مثبت مرتبط با طبیعت (مثل کاشت درخت و حفر چاه)، که به طور غیر مستقیم با انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند، به‌ویژه اگر به شکل وقف در اختیار دیگران قرار داده شود، به وعده پاداش‌های اخروی اشاره می‌کنند. به نظر آنان، آثار خارجی مثبت مرتبط با دیگران، در

رفتارهای مسلمانان بیشتر مشاهده می‌شود؛ زیرا آنان خواهان خیر رساندن به دیگران هستند (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹).

رضایی دوانی (۱۳۸۹) نیز معتقد است: میان دیدگاه اسلام و دیدگاه متعارف، تفاوت‌های اساسی در نگاه به جهان وجود دارد که در رفتار افراد، تأثیر بسیاری دارد. برای مثال، مسلمانان بر اساس احکام دینی مانند حرمت اسراف و اتلاف، تصرف کمتری در طبیعت خواهند داشت؛ امری که موجب کاهش آثار خارجی منفی می‌شود (رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

نقد و بررسی دیدگاه اقتصاددانان مسلمان درباره آثار خارجی

از بخش نخست این جستار معلوم شد که آثار خارجی را نمی‌توان بدون توجه به بحث کارایی پارتویی و نقش سازوکار بازار بررسی کرد؛ اما آنچه در آثار اقتصاددانان مسلمان درباره آثار خارجی مشاهده می‌شود، تصور آنان از آثار خارجی به‌عنوان یک موضوع مستقل و بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با کارایی پارتویی و سازوکار بازار است. آنان به لوازم مفهوم آثار خارجی و راه‌کارهای آن، که زائیده اقتصاد متعارف است، توجه نداشته‌اند. از این‌رو، راه‌کارهای مطرح شده توسط آنان در جهت «بازگشت به کارایی مورد نظر در اقتصاد متعارف» نیست و آثار خارجی را درونی نخواهد کرد.

برای نمونه، در یک دسته از این راه‌کارها، به نقش زکات در درونی کردن آثار خارجی اشاره شده است. در بررسی این راه‌کار، چند نکته قابل تأمل است: نخست آنکه استفاده از امکانات طبیعی در صورتی آثار خارجی محسوب می‌شود که این امکانات در اقتصاد اسلامی در بازار مبادله شود و نیز متضمن زیان برای دیگران باشد و از این طریق، منافع اجتماعی را کاهش دهد که در این صورت، کارایی پارتویی مختل خواهد شد. برای مثال، اگر این امکانات در بازار اسلامی مبادله می‌شد و استفاده از چنین امکاناتی موجب بروز پدیده «ازدحام» می‌گردید، آثار خارجی به وجود می‌آمد، در صورتی که این قبیل امکانات طبیعی در اقتصاد اسلامی از طریق بازار مبادله نمی‌شود و نیز بدون در نظر گرفتن پدیده‌هایی مانند ازدحام، زکات دریافت می‌گردد.

نکته دیگر این است که مالیات یا زکات در آثار خارجی برای درونی و بازاری کردن موضوعی که منافع و هزینه‌های آن از بازار خارج شده است، دریافت می‌شود. از این‌رو، مالیات یا زکات در صورتی می‌تواند به‌عنوان راه‌کاری در مواجهه با آثار خارجی مطرح باشد که به اندازه تباین میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی باشد. این در حالی است که در الزام به پرداخت زکات، چنین ملاحظاتی وجود ندارد؛ زیرا در این حالات، اثر خارجی به معنای متعارف اتفاق نیفتاده است تا تفاوتی میان هزینه‌های خصوصی و اجتماعی در آن متصور باشد.

نمونه دیگر از این راه‌کارها، جلوگیری از ضرر رساندن به طبیعت و به دیگران را مورد توجه قرار داده است. این در حالی است که در مواجهه با آثار خارجی، جبران ضرر مطمح نظر نیست؛ زیرا جبران ضرر الزاماً اثر خارجی را

درونی نمی‌کند. در اقتصاد متعارف، در بسیاری حالات، پس از درونی کردن آثار خارجی، زیان‌ها و منافع وارد شده بر افراد هنوز باقی است. برای مثال، مالیات دریافت شده در زمینه اثر خارجی منفی، لزوماً به آسیب دیدگان از آن اثر پرداخت نمی‌شود و یا دولت، آن را برای رفع آسیب، هزینه نمی‌کند تا آسیب‌های وارد شده جبران یا مرتفع شود. بنابراین، اگر در ارائه این راه‌کار، به درونی کردن آثار خارجی توجه می‌شود، باید بازگشت به کارایی و نه جبران زیان آسیب‌دیدگان، هدف قرار می‌گرفت. از این‌رو، علاوه بر اینکه این موارد در اقتصاد اسلامی در بازار مبادله نمی‌شود تا اثر خارجی در آن معنا داشته باشد، قواعدی مانند قاعده لاضرر، که مقصود از آن، رفع زیان و یا جبران آن است، نمی‌تواند به‌عنوان راه‌کار مواجهه با آثار خارجی معرفی شود.

در برخی از دیدگاه‌ها، به شفافیت حقوق مالکیت در اقتصاد اسلامی به واسطه مالکیت و نظارت دولت بر منابع طبیعی، به‌عنوان یکی از راه‌کارهای مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد اسلامی اشاره شده است. این در صورتی است که با وجود چنین نظارت‌هایی از سوی دولت اسلامی، آثار خارجی در این زمینه پدید نمی‌آید تا برای درونی کردن آن راه‌کاری بیان شود. بنابراین، چنین سیاست‌هایی راه‌کاری برای درونی کردن آثار خارجی به حساب نمی‌آید. در اقتصاد متعارف نیز یکی از وظایف دولت تعریف و تضمین حقوق مالکیت است. اما این وظیفه به‌عنوان راه‌کاری برای آثار خارجی مطرح نمی‌شود؛ بلکه هنگامی به عرصه آثار خارجی وارد می‌گردد که دولت بخواهد در این زمینه تصدی‌گری کند و فعالیت بازاری انجام دهد. البته اقتصاد متعارف با انجام چنین فعالیت‌های بازاری توسط دولت مخالف است و تصدی‌گری دولت بر منابع طبیعی به بهانه حقوق مالکیت را نمی‌پذیرد. طبق دیدگاه متعارف، هر گونه دخالت دولت در امور اقتصادی - به استثنای موارد شکست بازار - موجب دور شدن از کارایی خواهد شد.

در برخی از راه‌کارها، به ترغیب عوامل درونی انسان‌ها در کاهش آثار خارجی اشاره شده است. این سیاست نیز راه‌کاری برای درونی کردن آثار خارجی نیست؛ بلکه تنها می‌تواند نقش بازدارندگی از آثار خارجی را ایفا کند و موجب شود انسان‌ها با انگیزه دیگرخواهی و مانند آن به کارایی مورد نظر دست یابند. البته کارایی به دست آمده از این طریق با کارایی در بهینه پارتو متفاوت است؛ زیرا بهینه پارتو از طریق دست نامرئی به دست می‌آید که در آن پی‌جویی نفع شخصی به‌عنوان محرک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی فرض می‌شود. طبق دیدگاه/سمیت، افرادی که به دنبال نفع خود هستند، بسیار بیش از آنهایی که می‌خواهند، منافع اجتماعی را به بار می‌آورند. این در حالی است که در راه‌کار پیشنهادی اقتصاددانان، انگیزه‌های دیگر از قبیل دیگرخواهی موجب ترغیب افراد برای دست‌یابی به کارایی می‌شود. از این‌رو، این راه‌کار همانند راه‌کارهای پیشین، ضرر را دفع می‌کند؛ اما نمی‌تواند راه‌کاری برای درونی کردن آثار خارجی به معنای واقعی‌اش به حساب آید. به دیگر سخن، ترغیب افراد به خودداری از نفع شخصی و تلاش برای برآوردن منافع دیگران، با مفهوم درونی کردن آثار خارجی، که در چارچوب سازوکار بازار ترسیم شده و هدفش برابر کردن هزینه‌ها و منافع خصوصی و اجتماعی است، متفاوت است.

بدین سان، اقتصاددانان مسلمان بدون توجه به محدوده و جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و نیز بدون

تعریف جایگاه این آثار در اقتصاد اسلامی، چنین راه کارهایی برای آن ارائه کرده‌اند. بدون شک، آسیب‌رسانی به طبیعت و دیگران در جامعه اسلامی کار نامطلوبی است و باید برای آن چاره‌اندیشی شود؛ اما آثار خارجی دانستن چنین کاری بدون توجه به جایگاه آثار خارجی و پیوندهای آن، صحیح نیست.

۳. بررسی جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی

برای بحث از آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، مسئله نخست آن است که آیا چنین آثاری در همه زمینه‌هایی که در اقتصاد متعارف شکل می‌گیرد، در اقتصاد اسلامی نیز شکل می‌گیرد؟ یا اینکه زمینه‌های شکل‌گیری آثار خارجی در اقتصاد اسلامی متفاوت است؟ به دیگر سخن، آیا رویکرد اقتصاد اسلامی در تخصیص منابع، یک رویکرد بازاری محض است که وجود آثار خارجی، آن را از حالت مطلوب خارج می‌کند؟ یا اینکه نهادهای دیگری نیز در تخصیص منابع دخالت دارند؟

اگر تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی همانند اقتصاد متعارف تنها در چارچوب بهینگی پارتو و تنها از طریق سازوکار بازار انجام گیرد، همه موارد آثار خارجی در اقتصاد متعارف، برای اقتصاد اسلامی نیز آثار خارجی به حساب می‌آیند. برای این منظور، باید بررسی شود که آیا سازوکار بازار و متعلق‌اش، از جمله بهینگی پارتو، همه تخصیص‌ها در اقتصاد اسلامی را پوشش می‌دهند؟ یا اینکه عوامل دیگر غیر بازاری نیز در تخصیص بهینه جامعه اسلامی نقش ایفا می‌کنند.

بررسی نقش بهینگی پارتو در تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی

در یک نگاه، ممکن است بهینگی پارتو با تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی کاملاً سازگار به نظر آید، به‌ویژه وقتی دارای مقاصدی همچون «تلاش برای رسیدن به بهترین نتیجه ممکن» و «جلوگیری از اتلاف منابع» است که در آموزه‌های اسلامی بر آنها تأکید شده است (صدر، ۱۳۹۹، ۶۵۰). در عین حال، جنبه‌هایی از ناسازگاری میان بهینه پارتو و رهنمودهای اسلام نیز به چشم می‌خورد که قابل بررسی است.

یکی از این ناسازگاری‌ها بی‌توجهی بهینه پارتو به مسئله توزیع است. بر اساس بهینگی پارتو، هرگونه تغییری که وضعیت یک ثروتمند را بهتر کند، اما بر وضعیت دیگران و از جمله نیازمندان بی‌تأثیر باشد، یک بهبود به شمار می‌آید و باید انجام گیرد (استیگلیتز، ۱۳۹۱، ص ۷۷). در مقابل، هرگونه تغییری که وضعیت نیازمندان را تغییر ندهد، اما بر وضعیت یک ثروتمند اندکی تأثیر منفی بگذارد، موجب کاهش در رفاه اجتماعی می‌گردد و نباید انجام شود. این امر با آموزه‌های اسلامی سازگاری ندارد. به همین دلیل، بهینه پارتو نمی‌تواند در اقتصاد اسلامی راهنمای رفتار افراد باشد (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴ و عبدالمنان، ۱۳۷۵ الف، ص ۲۳۲).

باید توجه داشت که اشکال مزبور به بازتوزیع درآمد و ثروت مربوط می‌شود و توابع رفاه اجتماعی - که به طور

جداگانه و مستقل از بهینه پارتو تصویر می‌شوند - متکفل بیان بازتوزیع می‌باشند (کرمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱۳): حال آنکه بهینگی پارتو تنها مربوط به تخصیص بهینه منابع است. اما در عین حال، این مطلب اشکال مزبور را بکلی نفی نمی‌کند؛ زیرا صرف‌نظر از مسئله بازتوزیع، تخصیص، که به بهینگی پارتو مربوط می‌شود نیز به خودی خود، می‌تواند جامعه را در طیفی از فاصله میان فقیر و غنی قرار دهد. منشأ این نابرابری‌ها می‌تواند در فروض بهینگی پارتو نهفته باشد. یکی از این فروض، بیشینه‌سازی مطلوبیت و سود افراد و بنگاه‌های اقتصادی است (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰). این بیشینه‌سازی موجب می‌شود که فاصله درآمدی میان صاحبان سرمایه و کار به مرور زمان، زیاد شود (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱).

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا در بازار اسلامی نیز همانند بازارهای متعارف در جوامع سرمایه‌داری، بر اثر مبادلات، فاصله میان فقیر و غنی، و صاحبان سرمایه و کار زیاد می‌شود و سپس با بازتوزیع به نفع فقرا، باید توازن ایجاد کرد؟ یا اینکه در بازار اسلامی، مبادلات به گونه‌ای شکل می‌گیرد که از ابتدا چنین فاصله بی‌رویه‌ای میان فقیر و غنی ایجاد نمی‌شود؟

شکی نیست که اسلام از یک سو، برخی از تفاوت‌های درآمدی ناشی از مبادلات را می‌پذیرد، و از سوی دیگر، به منظور دستیابی به عدالت، از طریق بازتوزیع درآمد و ثروت، خواهان رسیدن به سطح کفاف و تأمین نیاز افرادی است که قدرت خرید کافی ندارند (همان، ص ۱۵۵-۱۵۷)؛ با این همه، اسلام در زمینه تخصیص بهینه نیز رهنمودهایی دارد که موجب جلوگیری از فاصله زیاد میان فقیر و غنی می‌شود. توصیه‌های اکید اسلام بر رعایت حقوق کارگر یکی از این رهنمودها است. از این رو، می‌توان گفت: تخصیص در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند کاملاً مانند تخصیص در بهینه پارتو باشد. از این طریق، بسیاری از آثاری که در اقتصاد متعارف، با توجه به بهینه پارتو، اثر خارجی به حساب می‌آیند، در اقتصاد اسلامی اثر خارجی به حساب نمی‌آیند. برای مثال، با توصیه اسلام به حرمت اضرار به دیگران، آلودگی ایجاد نخواهد شد تا با سیاستی نیاز به درونی کردن آن باشد. در خصوص آثار مثبت نیز می‌توان به مطلوبیتی که فرد مسلمان از مصرف فقرا می‌برد، مثال زد. در اقتصاد متعارف، این‌گونه مطلوبیت‌ها، آثار خارجی و خارج از سازوکار بازار و بهینگی پارتو به‌شمار می‌آیند (لیارد، ۱۹۷۸، ص ۲۵)؛ اما در اقتصاد اسلامی، این مطلوبیت‌ها با انفاق و امور خیر ایجاد می‌شوند. از این رو، خارج از بازار اسلامی نیستند تا نیاز به درونی کردن داشته باشند.

نتیجه‌ای که از این بررسی اجمالی به دست آمد این است که بهینه پارتو به‌خاطر تعارضاتی که با مبانی اسلامی دارد، در متون اسلامی مطرح نشده (نقوی، ۱۹۸۶، ص ۲۸۹، عبدالمنان، ۱۳۷۵ الف، ص ۲۳۲) و یا دست‌کم فاقد جایگاه‌عالی است که در اقتصاد متعارف دارد (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵-۱۱۶). بنابراین، آثاری که در اقتصاد متعارف تنها به سبب عدم شمول بهینگی پارتو آثار خارجی نامیده شده‌اند، در اقتصاد اسلامی لزوماً آثار خارجی نیستند. برخی از این آثار با رهنمودهای اسلام، بدون اینکه اثر خارجی تلقی شوند، خود به خود درونی می‌گردند.

بررسی نقش سازوکار بازار در تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی

منظور از سازوکار بازار، رویکرد تخصیص منابع از مجرای بازار رقابت کامل است. در اقتصاد متعارف، سازوکار بازار به‌عنوان بهترین شیوه تخصیص منابع شناخته می‌شود که نتیجه آن، بهینه پارتو است. معلوم شد که بهینه پارتو هدف مطلوب در اقتصاد اسلامی نیست. اکنون بررسی می‌کنیم که آیا سازوکار بازار، می‌تواند رویکرد مناسبی برای تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی باشد؟

سازوکار بازار از نیروهای عرضه و تقاضا تشکیل شده است که در مواجهه با هم، قیمت بازار را تعیین می‌کنند. قیمت بازار راهنمای خوبی برای فعالیت‌های اقتصادی است. مصرف‌کنندگان بر اساس قیمت‌های بازاری، میزان مصرف خود از کالاها و خدمات گوناگون را مدیریت می‌کنند و تولیدکنندگان، نوع و میزان کالای تولیدی خود را بر این اساس تعیین می‌کنند. در آموزه‌های اسلامی، نه تنها قیمت شکل گرفته در بازار به رسمیت شناخته شده، بلکه هر گونه قیمت‌گذاری خارج از بازار - جز در موارد خاص - ممنوع و حتی بدعت دانسته شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

با وجود این، حتی در اقتصاد متعارف نیز سازوکار بازار در برخی زمینه‌ها - از جمله آثار خارجی - به شکست منتهی می‌شود و لازم است از بیرون، اصلاحات و مداخلاتی انجام گیرد. حالتی که سازوکار بازار و قیمت‌های بازاری از تأمین اهداف منظور در اقتصاد اسلامی باز می‌ماند، بیش از حالات شکست بازار در اقتصاد متعارف است.

سازوکار بازار می‌تواند نابرابری‌های درآمدی را تشدید کند (عبدالمنان، ۱۳۷۵ ب، ص ۳۸۰ و اکرم‌خان، ۱۳۷۵، ص ۳۵۵). در سازوکار بازار، تأمین خواسته‌ها اهمیت دارد و همین منجر به تقاضا می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۳۸)؛ بدین روی، آن بخش از نیازهای ضروری فقرا، که به سبب ناتوانی مالی به مرحله تقاضا نمی‌رسد، جایی در این نظام تخصیصی نخواهد داشت. در مقابل، کالاها و خدمات تجملاتی، که فراتر از مرز اسراف قرار می‌گیرند، در سازوکار بازار تقاضا می‌شوند. این نمونه‌ها بر خلاف شیوه مقبول اسلام است. از این‌رو، در اقتصاد اسلامی، قیمت‌ها تنها با خواست عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان سروکار ندارد، بلکه لازم است برخی قیود و ملاحظات به آن منضم شود تا اصلاح و تعدیل گردد. به منظور دستیابی به مقاصد اجتماعی مقبول اسلام، در کنار بازار و رقابت، گسترش ارزش‌های اخلاقی میان بازیگران اقتصادی و نقش پررنگ دولت ضروری به نظر می‌رسد (همان، ص ۱۸۲ - ۱۸۸).

بنابراین، در اقتصاد اسلامی، دولت با نظارت و هدایت غیرمستقیم و حتی گاهی به‌طور مستقیم، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین قیمت و خارجی یا داخلی بودن آثار دارد. بسیاری از آثاری که در اقتصاد متعارف آثار خارجی به حساب می‌آیند، در اقتصاد اسلامی، با دخالت دولت، بدون اینکه اثر خارجی به حساب آیند، خود به خود درونی می‌شوند. در این باره، می‌توان به ممانعت دولت اسلامی از تصرفات نابجا و تولید کالاهایی که آلودگی به همراه

دارند، اشاره کرد. دولت اسلامی با حق مالکیت خود در منابع طبیعی، قبل از اینکه چنین تصرفاتی انجام دهد و اثر خارجی محقق شود، از آنها جلوگیری، یا بر حسن استفاده از آنها نظارت می‌کند.

انکون پس از بررسی زمینه‌های شکل‌گیری آثار خارجی در اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با اقتصاد متعارف، می‌توان جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی را به دو صورت مشخص کرد: یکی به این صورت که چارچوب مفهومی که در آن متولد شده است حفظ شود و به معنای مصطلح آن توجه شود؛ و صورت دیگر آنکه چارچوب مفهومی جدیدی (اصطلاحی نو) متناسب با ساختار ویژه تخصیص بهینه در اقتصاد اسلامی برای آن ابداع شود.

جایگاه آثار خارجی مصطلح در اقتصاد اسلامی

از مطالب گذشته روشن شد که سازوکار بازار، به سبب نارسایی‌ها و مشکلاتی که ممکن است ایجاد کند، نمی‌تواند همه موارد تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی را به تنهایی عهده‌دار شود؛ بلکه برای این منظور، لازم است قیده‌ها و محدودیت‌هایی اضافه شود و اصلاحاتی انجام گیرد. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی برای سازوکار بازار حدودی تعریف می‌کند و آن را در ریل مشخصی قرار می‌دهد.

بنابراین، هرچند امکان تحقق آثار خارجی در اقتصاد اسلامی وجود دارد، آن هم در جایی که بازار عهده‌دار تخصیص منابع است، اما گاهی نیز به سبب آنکه بازار عهده‌دار تخصیص منابع نیست، آثار خارجی معنای واقعی خود را پیدا نمی‌کند. بنابراین، برای مشخص کردن جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، باید موضوعاتی را شناسایی کرد که اسلام تخصیص منابع با رویکرد صرفاً بازاری را به رسمیت می‌شناسد.

می‌توان گفت: دست‌کم دو محدودیت برای سازوکار بازار در اقتصاد اسلامی وجود دارد. به عبارت دیگر، تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی - دست‌کم - در دو جا از طریق سازوکار بازار صورت نمی‌گیرد: یکی محدودیت‌هایی که به عرضه و تقاضای افراد مربوط است؛ و دیگری محدودیت‌هایی که از گستره وظایف دولت در اقتصاد اسلامی شکل می‌گیرد. روشن است که آثار خارجی در این دو زمینه محقق نمی‌شوند.

الف. محدودیت‌های مرتبط با عرضه و تقاضا

در اقتصاد اسلامی، برخی از ترجیحات افراد به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ بدین روی، عرضه و تقاضا با محدودیت در نوع و چگونگی تولید یا مصرف برخی از کالاها و خدمات و نیز برخی از عوامل تولید مواجه می‌گردد. اگر برای موارد منع شده، بازاری تشکیل شود؛ یعنی اگر چنین کالاها، خدمات یا نهاده‌هایی مبادله و داد و ستد شوند؛ چنین بازاری از نظر اسلام تأیید نمی‌گردند. به همین سبب چنین موضوعاتی، خارج از بازار اسلامی قرار می‌گیرد. بدین روی، اگر مصرف یا تولیدی در این زمینه، مطلوبیت (یا تولید) دیگران را تحت تأثیر قرار دهد، «شکست بازار» یا «آثار خارجی» بر آن اطلاق نخواهد شد.

برای مثال، زبانی که از مصرف یا تولید مشروبات الکلی بر مطلوبیت دیگران وارد می‌شود، آثار خارجی نیست؛ زیرا برای تحقق آثار خارجی، باید بازاری در کار باشد. این در صورتی است که در اقتصاد اسلامی، بازار مشروبات الکلی به رسمیت شناخته نمی‌شود. مثال دیگر در زمینه آثار منفی این است که با توصیه اسلام، به حرمت اضرار به دیگران، آلودگی ایجاد نخواهد شد تا با سیاستی نیاز به درونی کردن آن باشد.

در زمینه آثار مثبت نیز می‌توان به مطلوبیت حاصل برای فرد خیر از مصرف فقرا مثال زد. چنین مطلوبیتی از نظر اقتصاد خرد متعارف، به‌عنوان اثر خارجی مثبت شناخته می‌شود؛ زیرا فرض اقتصاد متعارف بر این است که مبادله‌کنندگان تنها منافع شخصی خود را در نظر می‌گیرند. از این‌رو، مطلوبیتی که با در نظر گرفتن منافع دیگران حاصل شده، خارج از سازوکار بازار و اثر خارجی است. اما در اقتصاد اسلامی، که فرض بر این است که افراد منافع فقرا را نیز در مبادلات خود در نظر می‌گیرند، چنین مطلوبیتی اثر خارج از بازار اسلامی نیست، تا اثر خارجی، حتی از نوع مثبت آن، به حساب آید، بلکه جزئی از ارکان بازار اسلامی این است که مبادله‌کنندگان در این بازار، منافع فقرا را نیز مورد توجه قرار می‌دهند و تنها به منافع شخصی نمی‌اندیشند. در این صورت، این مطلوبیت‌ها نه تنها از نمونه‌های شکست بازار اسلامی و اثرات خارجی آن نخواهد بود، بلکه از نکات قوت آن است.

ب. محدودیت‌های مربوط به گستره وظایف دولت

دولت به دو صورت می‌تواند در عرصه اقتصاد فعالیت کند:

در یک صورت، دولت به مثابه یک تولیدکننده یا مصرف‌کننده وارد بازار می‌شود و کالاها و خدماتی به بازار عرضه و یا از آن تقاضا می‌کند. این سطح از فعالیت - که دولت نقش تصدی‌گری دارد - در چارچوب سازوکار بازار انجام می‌گیرد و دولت می‌تواند در خلال تولید یا مصرف - مانند هر بازیگر اقتصادی دیگر - مولد آثار خارجی مثبت یا منفی باشد.

نوع دیگر فعالیت دولت به فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که با استفاده از قدرتی که او دارد، متغیرهای بازاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این متغیرها شامل تعیین نوع و میزان کالاهای تولیدی، صدور مجوز برای فعالیت‌های گوناگون، محدودیت در صادرات و واردات و مانند آن می‌شود.

در اقتصاد متعارف، اگر دولت دست به چنین اقداماتی بزند تنها به منظور این است که بازار را از شکست نجات دهد؛ از این‌رو، این اقدامات درباره آثار خارجی، درونی کردن آنها به حساب می‌آید؛ اما در اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های دولت در این زمینه، برای آن است که آثار خارجی پدید نیاید و اقتصاد به نحو مطلوب اسلام به حرکت خود ادامه دهد. از این‌رو، دولت در اقتصاد اسلامی، نقش پررنگی در این نوع فعالیت‌ها ایفا می‌کند. بدین سان، بخشی از فرآیند تخصیص منابع تحت تأثیر فعالیت دولت قرار می‌گیرد. در این زمینه‌ها - که بازار عهده‌دار تخصیص منابع نیست - وجود آثار خارجی معنا ندارد؛ زیرا اصلاً بازاری در کار نیست تا آثار خارجی موجب شکست آن شود.

برای نمونه می‌توان گفت: اگر دولت اسلامی به منظور حمایت از کشاورزان، قیمت تضمینی برای برخی محصولات وضع کند و این امر، صرف‌نظر از عرضه و تقاضای آن محصول، موجب افزایش مطلوبیت برخی از افراد جامعه شود، این افزایش مطلوبیت، اثر خارجی به حساب نمی‌آید؛ زیرا در این زمینه، تخصیص منابع توسط سازوکار بازار انجام نگرفته است.

اصطلاحی جدید برای آثار خارجی در چارچوب اقتصاد اسلامی

صرف‌نظر از اصطلاح متعارف، می‌توان آثار خارجی را زیان یا منافی دانست که از فعالیت یک عامل اقتصادی به عامل دیگر سرایت می‌کند و به جای شکست بازار، موجب شکست فرآیند تخصیص منابع در دست‌یابی به نتیجه مطلوب می‌شود. در این صورت، با توجه به اینکه فرآیند تخصیص در اقتصاد اسلامی تفاوت‌هایی با سازوکار بازار دارد، می‌توان آثار خارجی را با استفاده از مفاهیم منظور در اقتصاد اسلامی، به گونه دیگری معرفی کرد. برای این منظور، لازم است ابتدا رویکرد مطلوب تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی شناسایی شود. این رویکرد را، که به‌جای سازوکار بازار و یا به صورت مجموعه‌ای حاوی سازوکار بازار معرفی می‌شود، می‌توان «رویکرد اسلامی تخصیص بهینه» نامید. هر عاملی که تخصیص بهینه در رویکرد اسلامی را در دست‌یابی به هدف مورد نظر ناکام گذارد، «شکست رویکرد اسلامی تخصیص بهینه» خواهد بود. یکی از نمونه‌های این شکست، می‌تواند آثار خارجی باشد؛ به این صورت که فعالیت برخی از بازیگران اقتصادی، آثاری بر دیگران تحمیل کند که موجب شکست رویکرد اسلامی در دست‌یابی به تخصیص بهینه مقبول اسلام شود.

برای نمونه، می‌توان گفت: در نظام اسلامی، تخصیص بهینه موجب زدودن فقر از جامعه می‌شود. حال اگر شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که همه دست‌اندرکاران تخصیص در نظام اسلامی شامل سازوکار بازار، نظام امر به معروف و نهی از منکر مردمی و دولت نتوانند فقر را ریشه‌کن کنند و یا مسئولیت خود را در این زمینه به خوبی انجام ندهند، نامطلوبیت‌هایی که از این طریق عاید جامعه اسلامی و به‌ویژه فقرا می‌شود، شکست رویکرد اسلامی در تخصیص بهینه به شمار می‌آید. در این صورت، باید راه‌کارهای مناسبی برای این منظور که تخصیص در جامعه اسلامی بتواند فقر را بزدايد، اندیشیده شود. با توجه به اینکه مفاهیمی از قبیل «کارایی» و رویکرد تخصیص مطلوب در اقتصاد اسلامی هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، بحث از آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، در این چارچوب نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر است.

۴. ثمره این پژوهش

این پژوهش با هدف ترسیم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی انجام گرفت. یکی از انگیزه‌هایی که نگارندگان را به انجام چنین پژوهشی ترغیب کرده، اشتباه رایجی است که در معدود آثار اقتصاددانان مسلمان در این زمینه به

چشم می‌خورد؛ اقتصاددانان مسلمان بدون برداشتی صحیح از تعریف و جایگاه آثار خارجی، برخی از فعالیت‌ها را در زمره آثار خارجی دانسته و راه‌کارهایی برای آن ارائه کرده‌اند، در حالی که نه آن فعالیت‌ها عامل ایجاد آثار خارجی بوده‌اند و نه آن راهکارها در جهت درونی کردن آثار خارجی هستند.

این اشتباه رایج به‌خاطر این پندار نادرست است که هر اثر سودمند یا زیان‌باری که از فعالیت‌های اقتصادی ناشی شود، اثر خارجی، و هر اقدامی که در جهت جبران آن باشد راه‌کاری در مواجهه با آثار خارجی است. این در حالی است که آثار خارجی تنها آن بخش از آثار سودمند یا زیان‌بار است که از یک فعالیت بازاری ناشی می‌شود و خود آن اثر خارج از سازوکار بازار قرار می‌گیرد.

شکی نیست که در اقتصاد اسلامی، باید برای آثار منفی اقتصادی، مثل ضرر و زیان به طبیعت، چاره‌اندیشی کرد و نیز برای افزایش آثار مثبت ناشی از امور خیر و مانند آن، برنامه‌ریزی نمود. اما این موضوع همیشه در حوزه آثار خارجی قرار نمی‌گیرد، بلکه در صورتی آثار خارجی قلمداد می‌شود که اولاً، از یک فعالیت بازاری ناشی شده باشد و ثانیاً، خود اثر خارج از حوزه بازار قرار گیرد. در این صورت، در مواجهه با آن، از راه‌کارهایی مانند مالیات و یارانه استفاده می‌شود. در چنین راه‌کارهایی، که صرفاً آن اثر را درونی می‌کنند، به طور کلی، جبران خسارت یا منفعت مورد توجه نیست. در مقابل، اگر اثر مفید یا مضر اقتصادی بدون فرآیند بازاری پدید آید، نه آن اثر، اثری خارجی به حساب می‌آید و نه راه‌کار متناسب با آن درونی و بازاری کردن است، بلکه در چنین حالتی، به طور عمده، توجه اصلی بر جبران خسارت آثار مضر و تشویق بر ترویج آثار مفید است.

این پژوهش با ترسیم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد متعارف و اسلامی و تفکیک آن از سایر آثار مثبت و منفی اقتصادی، راه را برای پژوهشگرانی که می‌خواهند در این زمینه فعالیت کنند، هموار ساخته است.

نتیجه‌گیری

آثار خارجی به معنای مصطلح، اثرات سودمند یا زیان‌آوری است که از فرآیند بازار به خارج از آن تحمیل می‌شود و بازار را در دستیابی به تخصیص بهینه ناکام می‌گذارد. این تصور از آثار خارجی با سازوکار بازار عجین شده است. در این صورت، هر جا تخصیص منابع به عهده سازوکار بازار نباشد، نمی‌توان از آثار خارجی سخن گفت. به عبارت دیگر، هر جا بازاری در کار نیست، سخن گفتن از آثار خارجی، سالبه به انتفای موضوع است.

برای بررسی آثار خارجی مصطلح در چارچوب اقتصاد اسلامی، می‌توان گفت: هر جا در اقتصاد اسلامی، سازوکار بازار به رسمیت شناخته می‌شود، زمینه شکل‌گیری آثار خارجی نیز وجود دارد. در اقتصاد اسلامی، - دست‌کم - در دو جا، تخصیص منابع با رویکرد بازاری صورت نمی‌گیرد: یکی جایی که دولت اسلامی عهده‌دار تخصیص منابع است، و دیگری جایی که به‌خاطر محدودیت‌های شرعی برای عرضه و تقاضا، تشکیل بازار به رسمیت شناخته نمی‌شود. در این حالات، همان‌گونه که سازوکار بازار وجود ندارد، شکل‌گیری آثار خارجی نیز بی‌معناست.

با یک نگاه متفاوت، می‌توان اصطلاح دیگری برای آثار خارجی در اقتصاد اسلامی ابداع کرد. آثار خارجی در این معنای جدید به معنای خارج از سازوکار بازار نیست؛ بلکه ناظر به سازوکاری است که تخصیص بهینه مقبول اسلام را به دنبال دارد. در این معنا، آثار خارجی به هر پدیده‌ای گفته می‌شود که از بیرون، آن سازوکار را در دستیابی به تخصیص بهینه منظور اسلام ناکام بگذارد.

این جستار با ترسیم جایگاه آثار خارجی در اقتصاد اسلامی، ضمن اشاره به برداشت نادرست برخی از اقتصاددانان مسلمان نسبت به محدوده آثار خارجی و مواجهه با آن، زمینه را برای آن دسته از پژوهشگرانی که به موضوع آثار خارجی در اقتصاد اسلامی علاقه دارند، فراهم می‌کند.

منابع

- استیکلیتزر، ژوزف ای، ۱۳۹۱، *اقتصاد بخش عمومی*، ترجمه محمد مهدی عسکری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- اکرم‌خان، محمد، ۱۳۷۵، «تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی»، ترجمه حسین صادقی، در: *مباحثی در اقتصاد خرد (نگرش اسلامی)*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- امیری، هادی و همکاران، ۱۳۹۱، *اقتصاد بخش عمومی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- انصاری، محمدجعفر و همکاران، ۱۳۷۸، *درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- بلاگ، مارک، ۱۳۷۵، *اقتصاددانان بزرگ جهان*، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی.
- چپرا، محمد عمر، ۱۳۸۵، *آینده علم اقتصاد (چشم‌اندازی اسلامی)*، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حکیمی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۰، *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دادگر، یدالله، ۱۳۸۰، *اقتصاد بخش عمومی*، قم، دانشگاه مفید.
- دمستز، هرولد، ۱۳۸۰، «به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت»، ترجمه محسن رنای، *تأمین اجتماعی*، ش ۱۰، ص ۵۹-۷۴.
- راسل وینستین، جک، ۱۳۹۱، *زندگی و اندیشه‌های آدم اسمیت*، ترجمه شیرزاد پیک حرفه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی دونای، مجید، ۱۳۸۹، *مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام*، قم، دانشگاه مفید و سمت.
- رنای، محسن، ۱۳۸۹، *بازار یا ناپازار*، چ سوم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ساموئلسون، پل آنتونی و نوردهاوس، ویلیام، ۱۳۸۸، *اصول علم اقتصاد*، ترجمه مرتضی محمدخان، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۹، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمدین علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۴۰۳ق، *معانی الأخبار*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالمنان، محمد، ۱۳۷۵ (الف)، «اهداف و رفتار بنگاه در ساختار اسلامی»، ترجمه حسین صادقی، در: *مباحثی در اقتصاد خرد (نگرش اسلامی)*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- _____، ۱۳۷۵ (ب)، «دیدگاه‌های اسلامی در زمینه بازار، قیمت‌ها و تخصیص منابع»، ترجمه حسین صادقی، در: *مباحثی در اقتصاد خرد (نگرش اسلامی)*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- کالیز، جان جی. و جونز، فیلیپ آر، ۱۳۸۸، *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران و همکاران، تهران، سمت.
- کریمی، محمدحسین و عسکر دیرباز، ۱۳۸۴، *مباحثی در فلسفه اقتصاد (علم اقتصاد و ارزش‌ها، انسان اقتصادی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، محمدحسین، ۱۳۹۴، *توابع رفاه اجتماعی (تبیین دیدگاه‌ها و بررسی مبانی آنها با نگرش اسلامی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۸۹، *تعادل عمومی بازارها (نگاهی فلسفی و روش‌شناختی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لیندبلوم، چارلز ادوارد، ۱۳۸۸، *نظام بازار*، ترجمه محمد مالجو، تهران، نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «تحلیل نحوه مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۴، ص ۶۷-۹۸.
- منکیو، گریگوری، ۱۳۸۸، *نظریه اقتصاد خرد*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی.

موریس، اس. چارلز؛ فیلیپس، اون. آر، ۱۳۸۵، *تحلیل اقتصادی نظریه و کاربرد (اقتصاد خرد)*، ترجمه حسن سبحانی، چ هفتم، تهران، دانشگاه تهران.

نیکلسون، والتر، ۱۳۸۹، *نظریه اقتصاد خرد، اصول اساسی و مباحث تکمیلی*، ترجمه محمدمهدی عسکری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).

Layard, P. R. G. and Walters, A. A, 1978, *Microeconomic Theory*, London, McGraw-Hill College.

Naghavi, Syed Nawab Haider, 1986, *Comments on the Guarantee of a Minimum Level of Living in an Islamic State*, By Muhammad Nejatullah Siddiqi, in *Distributive Justice and Need in an Islamic Economy* , by Munavar Iqbal International Institute of Islamic Economics, Islamabad.

Smith, Adam, 1937, *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, New York, the Modern Library.